

 <p>مدارس یاس و یاسین</p>	<p>تاریخ امتحان: / / ۱۴۰۰</p> <p>تعداد صفحات: ۳ صفحه</p> <p>نام دبیر: سیده زهرا هاشمی</p>	<p>آموزش و پرورش شهرستان لاهیجان</p> <p>نوبت اول سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰</p> <p>آزمون: نگارش</p>	<p>نام و نام خانوادگی:</p> <p>پایه و رشته: یازدهم</p> <p>مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه</p>
	<p>نمره به عدد: نمره به حروف: نمره تجدیدنظر: نام دبیر و امضاء:</p>		

بارم	سوالات صفحه اول
------	-----------------

۱	<p><b>الف) بازشناسی (۲ نمره)</b></p> <p>۱- متن زیر را به دقت بخوانید و واژگان مربوط به زمان و مکان و فضا را جدا کنید. (چهار مورد کافی است)</p> <p>«تا آن روزها که کلاس هشتم بودم خیال می کردم عینک مثل تعلیمی (عصا) و کراوات یک چیز فرنگی مآبی است که مردان متمدن برای قشنگی به چشم می گذارند. در مدرسه قد بنده نسبت به سنم همیشه دراز بود. در برابر این قد دراز چشمم سو نداشت و درست نمی دید. بی آن که بدانم چشمم ضعیف و کم سوست، چون تابلو سیاه را نمی دیدم بی اراده در همه ی کلاس ها به طرف نیمکت ردیف اول می رفتم. روزی یکی از مهمانان ما که پیرزنی دهاتی بود به خانه ی ما آمد. او کتاب هایش را در بقچه ای می گذاشت. روزی که پیرزن نبود رفتم سر بقچه اش و کتاب هایش را به هم ریختم و بعد برای مسخره و از روی بدجنسی عینکش را از جعبه درآوردم و به چشم گذاشتم. آه هرگز فراموش نمی کنم آن لحظه ای که دنیا برایم تغییر کرد. بعد از ظهر یک روز پاییزی بود. من تا آن روز ا درخت ها جز انبوهی برگ درهم ریخته چیزی نمی دیدم خوش حال بودم.»</p>
۱	<p>۲- متن زیر را به دقت بخوانید و ویژگی رفتاری قهرمان داستان را بنویسید. (ذکر ۴ مورد کافی است)</p> <p>«از سال چهارم تا ششم ابتدایی با خسرو هم کلاس بودم. در تمام این مدت سه سال نشد که یک روز کاغذ و مدادی به مدرسه بیاورد یا تکلیفی انجام دهد. وقتی معلم خسرو را برای خواندن انشا صدا می کرد دفترچه ی من یا مصطفی را برمی داشت. صفحه ی سفیدی را باز می کرد و انشایی می ساخت و یک نمره ی بیست می گرفت. دیگر از استعدادهایش آوازش بود. روزی مسابقه ی قهرمانی کشتی کشور برگزار شد. خسرو حریف را با چالاکي به قول خودش فرو کوفت و قهرمان کشور شد اما چه سود که حسودان تنگ نظر او را به می و معشوق و لهو و لعب کشیدند تا جایی که ورزش را کنار گذاشت و تریاکی و شیره ای شد و کارش به ولگردی کشید. روزی در خیابان او را دیدم. شادی کردم و به سویش دویدم. آن خسرو مهربان و خون گرم با سردی نگاهم کرد. از چهره اش بدبختی می بارید. از مادر بزرگش پرسیدم گفت دو سال است که مرده است. از این ملاقات چند روزی نگذشت که خسرو در گوشه ای از خیابان بی سر و صدا جان سپرد و آن همه استعداد و قریحه را با خود به زیر خاک برد.»</p>



تاریخ امتحان: / / ۱۴۰۰  
تعداد صفحات: ۳ صفحه  
نام دبیر: سیده زهرا هاشمی

آموزش و پرورش شهرستان لاهیجان  
نوبت اول سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰  
آزمون: نگارش

نام و نام خانوادگی:  
پایه و رشته: یازدهم  
مدت امتحان: ۱۲۰ دقیقه

بارم	سوالات صفحه دوم
۱	<p>(ب) سازه های نوشتاری (۴ نمره)</p> <p>۳- حکایت زیر را بخوانید و آن را به زبان ساده بازنویسی کنید.</p> <p>«توانگر زاده ای دیدم بر سر گور پدر نشسته و با درویش بچه ای مناظره در پیوسته که صندوق تربت پدرم سنگین است و کتابه رنگین و فرش رخام انداخته و خشت زرین در او ساخته، به گور پدرت چه ماند: خشتی دو فراهم آورد و مشتی دو خاک بر او پاشیده. درویش پسر این بشنید و گفت: تا پدرت زیر آن سنگ های گران بر خود بجنیبیده باشد پدر من به بهشت رسیده باشد.»</p> <p>(کتابه: نوشته روی قبر) (رخام: سنگ شفاف) (گلستان سعدی)</p>
۱/۵	<p>۴- یکی از مثل های زیر را انتخاب کنید و آن را گسترش دهید.</p> <p>(۱) از این گوش می گیرد از آن گوش درمی کند. (۲) خفته را خفته کی کند بیدار (۳) به زبان خوش مار از سوراخ بیرون می آید. (۴) از کوزه همان برون تراود که در اوست</p>
۱/۵	<p>۵- یکی از شعرهای زیر را انتخاب کنید و درک و دریافت خود را از آن بنویسید.</p> <p>- بس بگردید و بس بگردد روزگار / دل به دنیا در نبندد هوشیار - نام نیکو گر بماند ز آدمی به کزو ماند سرای زر نگار - دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد / ابری که در بیابان بر تشنه ای بیبارد - بیاموزمت کیمیای سعادت / ز هم صحبت بد جدایی جدایی - بیا تا جهان را به بد نسپریم / به کوشش همه دست نیکی بریم</p>
	<p>(پ) تولید متن (۱۴ نمره)</p> <p>۶- یکی از موضوعات زیر را انتخاب کنید و درباره ی آن انشایی بنویسید. در نوشتن انشا به نکات زیر توجه کنید:</p> <p>- غلط املایی نداشته باشید. نشانه های نگارشی را بگذارید. انشای شما آغاز و پایانی زیبا و اثرگذار داشته باشد.</p> <p>(۱) یک شب ستاره باران (۲) روز برفی (۳) صداقت و راستی (۴) خدایا... (۵) کاش می شد...</p> <p>..... ..... .....</p>



## ■ بازشناسی متن (2 نمره)

1- مکان: مدرسه - کلاس - بقچه / زمان: کلاس هشتم - بعداز ظهر پاییز / فضا: آمدن مهمان - برداشتن عینک مهمان - و متوجه ضعف چشم خود شدن (ذکر 4 مورد 1 نمره)

2- خسرو قهرمان داستان دارای پشتکار - با استعداد - ورزشکار - موسیقی دوست که در اثر همنشینی با افراد ناباب کارش به اعتیاد کشید و سرانجام مردن در نهایت بدبختی

## 3- حکایت نگاری (1 نمره)

فرزند پولداری را دیدم که در کنار قبر پدر خود نشسته بود و با فرزند فقیری گفتگو می کرد و می گفت: صندوق آرامگاه پدرم از جنس سنگ است. و نوشته روی آن زیبا و فرشی از سنگ شفاف بر روی آن است و با خشت طلا ساخته شده است. هرگز مانند قبر پدرت نیست که دو تا خشت روی آن گذاشته اند و دو مشت خاک روی آن ریخته اند. پسر فقیر وقتی اینها را شنید گفت تا پدرت زیر آن همه سنگ تکان بخورد پدرم به بهشت می رسد.

4- مثل نویسی (1/5 نمره) براساس نظر دبیر تصحیح می شود.

5- شعر گردانی (1/5 نمره) براساس نظر دبیر تصحیح می شود.

## (پ) تولید متن (14 نمره)

6- براساس نظر دبیر تصحیح می شود.